

نامه سرگشاده به "لیندسی گراهام" از فرهنگ قاسمی

اصولاً اداره کردن کشورها دارای معضلات و پیچیدگی‌های زیادی می‌باشد، این پیچیدگی‌ها آن موقع افزایش پیدا می‌کنند و خطرناک می‌شوند که زمامداران از خرد و فرهنگ کافی برخوردار نباشند. مدتی است که با توجه به وضعیت دولت مداران و زمامداران در غالب کشورهای جهان این سوال برایم مطرح می‌باشد که در دولت مداری و کشورداری اگر زمامداران بی‌خرد باشند بیشتر بر جامعه بشری زیان وارد می‌کنند یا اگر بی‌فرهنگ باشند؟

متأسفانه این روزها شمار افراد کم‌یا بی‌فرهنگ که از تاریخ و تمدن بشریت اطلاع کافی ندارند و تنها ویژگی آنها انباشتن ثروت از طریق چپاول مردمان و ملت‌هاست، که با اتکا به ابزار تبلیغاتی و لابیگری به قدرت رسیده‌اند و مقامات رسمی و دولتی کسب کرده‌اند، بیش از پیش گسترش پیدا کرده است.

از بی‌خردی و بی‌فرهنگی زمامداران و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران که شهره آفاق است اگر بگذریم! افرادی مانند دونالد ترامپ، ولادیمیر پوتین، رجب اردغان، محمد بن سلمان، نتانیاهو و... کم نیستند که یا از خرد کافی برخوردار نمی‌باشد و یا در مرز دیوانگی و جنون به سر می‌برند و کماکان حکومت‌های فاشیستی خود را بطور مستقیم یا غیرمستقیم بر مردمان اعمال می‌کنند.

این قدرت مداران که گویی از مبانی ابتدایی تاریخ بشری بهره‌ای نبرده‌اند و تمدن بشری را نمی‌شناسند، تمام ابزار تبلیغات جهانی را در اختیار دارند و با استفاده از آنان کوشش می‌کنند آنچه را که در تاریخ به وقوع پیوسته و در آن به ثبت رسیده است را یا به شکلی که خودشان میخواهند جلوه‌گر سازند یا به طور کلی آن را تغییر داده و به عنوان یک کالای تبلیغاتی به خورد مردم جهان بدهند. اما نمی‌دانند که تغییر دادن تاریخ کار ساده‌ای نیست و همه این تبلیغات عاری از حقیقت، در طول تاریخ بشری بالاخره فاش شده‌اند و فاش خواهند شد. زیرا این خلف واقعیت اگر امکان می‌داشت دیکتاتورهایی مانند هیتلر و استالین و خمینی توانسته بودند تا به امروز آن را دگرگون کرده و به دلخواه خود تغییر بدهند. خوشبختانه می‌بینیم که علیرغم همه‌ی کوشش‌ها، هر روز حقایقی تازه‌ای از

تاریخ کشف می شوند و پیشرفتهای علمی تا درجه ای جلو میروند که حتی تاریخ و فلسفه و فرهنگ یونانی که زمانی ادعای قدمت و اصالت تراز اول را می کرد، توسط حکما و پژوهشگران برجسته و بی طرف جهان، زیر علامت سوال می رود و فلسفه و فرهنگ و تمدن بین النهرین و پارس برتری خود را در پیشرفت بشریت به ثبت می‌رساند. همینطور امکان دارد در این فراروند در اثر پیشرفت های علمی در سال های آینده تمدن های تازه ای پیدا شوند که تمدن پارس و چین و مصر و یونان رانیز مورد سوال قرار دهند.

با این مقدمه قصد دارم در این نامه سرگشاده سخنان رهبر جمهوری خواه سنای آمریکا را در مورد ایران به نقد بکشم و مورد تجسس قرار دهم. این شخص "لیندسی گراهام" سناتور آمریکایی است که اخیرا به ایران و به ایرانیان اهانت کرد.

کسانی مانند وی و برخی دیگر از زمامداران کشورهای جهان که گویی ایران را تنها با جمهوری اسلامی شناخته اند و تاریخ نخوانده‌اند و تمدن ها و فرهنگ ها را نمی‌شناسند هر از گاهی به خود اجازه می‌دهند به بهانه ای ایرانیان و فرهنگ بزرگ ایرانی را تحقیر کنند.

بی شک رفتار ایرانیانی که در دشمنی به حق با جمهوری اسلامی، اما به ناحق و از روی فرصت طلبی و ناراستی کارگزار و دست به دامن آمریکا شده اند و در انتظار دخالت آمریکا در ایران هستند و به طور آشکار از مقامات امریکایی تغذیه می‌شوند در برابر سخن بی ربط و بی حساب و تحقیرآمیز این آقای سناتور عکس العملی از خود نشان ندادند تا مبادا موجب شان قطع شود. انتظاری هم از آنان نمی توان داشت. خوب است اینان به خود آیند و کمی شرم کنند و بیش از این خفت و ذلت برای خود و ملت ایران نخرند. سخن حکیم فردوسی را به یاد آورند که گفت : «تفو بر تو ای چرخ گردون تفو».

حال روی سخن من مستقیم به این آقای سناتور است.

آقای سناتور، تمدن پارس، که متعلق به تمام مردمانی می باشد در آن زندگی کرده‌اند و می‌کنند، بر اساس اسناد و مدارک تاریخی چنان با ارزش بوده و بر چنان منطقی از فرهنگ و آموزه های انسانی استوار است که انسانیت نمی تواند از کنار آن و از کشفیات ارزشمندی که قوم بزرگ ایرانی از خود در جهان به جای گذارده است به راحتی بگذرد.

آقای سناتور، ناسیونالیسم کور آمریکایی یا ناسیونالیسم و فاشیسم

هر قدرت دیگر، نمی تواند خدمات ایرانیان در گذشته و حال و بدون تردید در آینده را نادیده بگیرد. درست است که جمهوری اسلامی با اقدامات ضد بشری خود برگ زشتی را در تاریخ ایران باز کرد که بی تردید این برگ به همت و به دست مردمان ایران بسته خواهد شد. اما این برگ زشت دلیلی نمی تواند باشد که شما به عنوان سناتور آمریکایی روز سه شنبه ۱۶ اکتبر ۲۰۱۸ در مصاحبه با فاکس نیوز بگوید "وحشتناک خواهد بود اگر تست ADN نشان دهد که او دارای پیشینه ایرانی است".

آقای سناتور شما باید بدانید، که اگر اجداد شما از اروپا به آمریکا سفر کرده باشند می تواند این امکان وجود داشته باشد که ADN شما ایرانی باشد. زیرا ایرانیان در بسیاری از نقاط جهان اثر گذار بوده اند و بسیاری از تاریخ نگاران بر این عقیده هستند که منزلت ها و دانش های اداری و نظامی و انسانی جهان امروز با تاثیر پذیری از اندیشه های امپراتوری های ایرانی به ویژه هخامنشیان از طریق اسکندر و جانشینان او به روم باستان انتقال پیدا کرده است.

آقای سناتور، بدانید از حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تا سالهای ۵۰۰ میلادی امپراطوری های بزرگ ایران، از سرزمین های ایران بر بخش بزرگی از مناطق خاوری حکمرانی میکردند. یعنی حدود هزار سال دو قدرت بزرگ ایران و روم برای تسخیر سرزمین ها باهم در کشمکش های جنگی بودند. در آن دوران، تسخیر پارس، برای هر قدرت امتیاز بزرگی محسوب می شد. رومیان نیز همواره این سودا را در سر داشتند، اما وقتی در ۵۴ سال قبل از میلاد مسیح، کراسوس قصد تسخیر پارس را کرد، حریف ایرانیان نشد. در این جنگ شکست خورد و ارتش روم نابود گردید. این به عنوان یکی از بدترین و اسفناک ترین فاجعه های امپراتوری روم در تاریخ ثبت شده است. در اثر این جنگ پارسیان بر روم تسلط یافتند و برتری نظامی آنان تا جایی پیش رفت که در امور داخلی روم دخالت مستقیم می کردند.

آقای سناتور همینطور بدانید که وقتی مارک آنتوان Marc Antoine، ژنرال و مرد سیاسی مشهور رومی، برای مبارزه علیه پارتیان وارد عمل شد او نیز در این جنگ شکست خورد و ۳۵,۰۰۰ از مردان خود را به شکلی فاجعه آمیز از دست داد. امپراتوری روم که، در بیشتر مناطق جهان آن روز موفق شده بود نه تنها حریف پارسیان نشد و به دلیل حیثیتی و شکست های پی در پی، دیگر از برخورد با ایرانیان خودداری کرد.

آقای سناتور، وقتی در یونان تبعیض طبقاتی وجود داشت در ایران اصول انسانیت و برابری ترویج پیدا کرده بود. وقتی یونانیان در هر جنگ که پیروز میشدند می کشتند و آتش میزدند، ایرانیان می بخشیدند و آزادی می دادند و خرابی ها را آباد می کردند. برابری و احترام به حقوق و قانون، که در فرهنگ ما رواج داشت را اشاعه می دادند.

آقای سناتور، اگر تاریخ را بخوانید خواهید فهمید که ما ایرانیان صاحب قانون حمورابی که شامل ۲۸۲ ماده بود و نخستین سند شناخته شده قانون دولت شهرها است، هستیم که در آن یک فرمانروا به طور عمومی یک مجموعه کامل از قوانین را به ملت خود اعلان میکند. این قانون در سه هزار سال پیش بر روی یک ستون سنگی حک شده و در یک مکان عمومی قرار داده شده بود، تا همه بتوانند آن را ببینند. قانون حمورابی بر خلاف قوانین اکدی، به زبان بابلی آن زمان نوشته شده بود تا هر فرد باسواد در شهر بتواند آن را بخواند.

آقای سناتور، آموزه های زرتشت، آموزگار بزرگ ایرانی، مورد تجسس و تقدیر دانشمندان و پژوهشگران و فلاسفه بزرگ جهان قرار گرفته است. دلم میخواهد در اینجا از قول فیلسوف بزرگ آلمانی فریدریش نیچه که علاقه بسیاری به زرتشت و آموزه های او داشت بگویم، خوبست است «ایر انسان» باشید، نه زبرانسان و از بیهوده گویی در باره ایرانیان پرهیز کنید. فریدریش نیچه راه تبدیل شدن به ایر انسان را نه از غلبه بر دیگران و مقهور ساختن آنان، که از راه چیرگی بر خویشان می داند. او اضافه می کند؛ انسان به راستی نیرومند، هرگز درد و رنج نمی آفریند، بلکه او با تاز از زرتشت آموزگار (نه پیامبر) می گوید، ایر انسان چنان از نیرو و فرزاندگی لبریز می شود، که آن را با سخاوت، به دیگران پیشکش می کند.

آقای سناتور، زرتشت می افزاید این پیشکش کردن، حاصل بی نیازی شخصی اوست، نه ترحم که خود نوعی تحقیر محسوب می گردد. از نظر زرتشت ایر انسان، قدرشناس زندگی است، کسی است که به سرنوشتش عشق می ورزد، کسی است که به زندگی میگوید آری .

آقای سناتور، این کوروش پادشاه ایرانی بود که با چنین اندیشه های ناب و جهانشمولی یهودیان را از اسارت «نبوکادنزار» شاه بابل آزاد کرد و به آنها اجازه داد دوباره معبد اورشلیم را بسازند. خوبست باز بدانید که حتی بن گوریون این مدارای کوروش را ستایش کرد.

آقای سناتور، بروید و استوانه کورش را پیدا کنید و بخوانید

خواهید دید که این کوروش بود که نخستین منشور حقوق بشر را به دنیا ارائه‌ی کرد، اگر به قانون اساسی کشور خود آمریکا نگاه کنید خواهید دید که بنیانگذاران کشور شما در تدوین آن از آموزه های ایران باستان بهره مند شده اند.

آقای سناتور، در خاتمه لازم می دانم گوشزد کنم، به اطراف خود نگاهی بیندازید، در هر زمینه ایرانیان در رده های بالای علوم، صنایع، آموزش و تحقیقات حضور دارند و در ساختن آینده جهان فعالند، ایران و ایرانی را که ریشه در انسان و انسانیت دارد انکار نمی توان کرد. چنانچه بخواهم در این نوشته کوتاه به علوم دقیقه و کشفیات ایرانیان پردازم با آوردن نام و کارهای ابو علی سینا و رازی و خیام و نصیرالدین طوسی ... بی تردید آرامش فکری شما را مخدوش خواهم کرد. اما فقط یک نکته دیگر را خوبست بدانید که قرن ها قبل از کپرنیک، ابوریحان بیرونی ریاضی دان و منجم ایرانی می نویسد که بوسعید سجز اسطرلابی ساخته که مبنای آن حرکت زمین بدور خورشید بود.

آقای سناتور، با توجه به ملاحظات بالا اگر اتفاقاً ADN شما ایرانی بوده باشد یا نبوده باشد به فرهنگ ایرانی نه اعتباری اضافه می شود و نه اعتباری از آن کاسته می گردد، اما شما در هر صورت راهی ندارید که بدان مفتخر باشید. راستی با کودتای مرداد 1332 و مصدق چه خواهید کرد؟ همینطور علاقمندم به سوالی که در مقدمه و پارگراف نخست این نوشته مطرح کردم پاسخ بدهید.

فرهنگ قاسمی